

از آن همه دیروز / بازخوانی تاریخ

از صدای سخن عشق…



سید خلیل عالی‌نژاد، نوازنده، خواننده، آهنگساز و از رهبران مذهبی پارسان، سال ۱۳۳۶ در شهرستان صحنه در استان کرمانشاه متولد شد. سال ۱۳۷۵ در رشته موسیقی از دانشگاه هنر فارغ‌التحصیل شد. آواز را از مکتب میرزا حسین خادمی آموخت و از نادر نادری دف آموخت و تا ر از کیخسرو پور ناظری فراگرفت. نواختن تارش به شیوه نوازندگی مکتب برومند نزدیک بود و پرده‌گیری‌ها و زخمه‌های شمرده و جمله‌بندی‌هایش در سه تار، شیوه نوازندگی یوسف فروتن را به یاد می‌آورد. او در نواختن سه‌تار هم دستی چیره داشت. در اوایل دهه ۶۰ گروه تنبور شمس به سرپرستی کیخسرو پورناظری تشکیل شد و عالی‌نژاد به جمع این گروه پیوست. حاصل همکاری با گروه تنبور شمس، تکنوازی و جواب آواز ماندگار سید خلیل در کاست صدای سخن عشق بود که با صدای شهرام ناظری انتشار یافت.

اواسط دهه ۷۰ سیدخلیل گروه بابا طاهر را تشکیل دادو اعضای گروه باباطاهر در اجلاس هنرهای دینی (۱۳۷۵ /تهران) برنامه‌ای اجرا کردند که ویدیو آن به‌نام زمزمه قلندری به نفع خیریه کهربزک در اختیار علاقه‌مندان قرار گرفت. سال ۱۳۷۱ سیدخلیل به وصیت احمد عبادی برای شرکت در مراسم خاکسپاری او به تهران رفت و دیگر هیچ‌گاه به دیار خود بازنگشت. عالی‌نژاد پس از چند سال سکونت در تهران در سال ۱۳۷۹ برای مدتی به سوئد رفت و عاقبت تنها چند هفته پیش از برگشتن به ایران در ۲۷ آبان ۱۳۸۰ در شهر گوتهبرگ سوئد، به دست افراد ناشناس به قتل رسید و خانه و جسم بی‌جانش به آتش کشیده شد.

خودزنی / محیط‌زیست

۲۸ آبان؛ وعده بر خورد با شکار چیان پرنده

تورهای هوایی پایین کشیده می‌شوند و شب‌دام‌ها جمع خواهند شد. این وعده فرمانده یگان حفاظت محیط‌زیست به‌سال‌ها نگرانی از وضع پرندگان مهاجر به‌فریدونکنار است. سرهنگ حمیدرضا خیلدار، هم‌زمان با ورود پرندگان مهاجر به‌فریدونکنار از آغاز برخورد با متخلفان شکار و صید غیرمجاز پرندگان مهاجر در فریدونکنار از ۲۸ آبان خبر داد «با همکاری نیروی انتظامی استان مازندران و یگان حفاظت محیط‌زیست، با متخلفان برخورد خواهد شد.» او با اشاره به اینکه برای مقابله با شکار و خرید و فروش غیرمجاز پرنده‌به‌ویژه پرندگان مهاجر در فریدونکنار کمیته‌ای تشکیل شده است، گفت: «در جلسه‌ای مشترک میان یگان حفاظت محیط‌زیست و پلیس پیشگیری ناجا، نامه‌ای برای فرمانده انتظامی استان مازندران تهیه شد که با راه‌اندازی گشت یگان حفاظت محیط‌زیست در بازارهای غیررسمی فریدونکنار از عرضه و خرید و فروش هرگونه پرنده مهاجر جلوگیری کند.»

فرمانده یگان حفاظت محیط‌زیست، ادامه داد: «برنامه این کمیته در نخستین گام برخورد با دام‌های هوایی و شب‌دام‌ها است که متأسفانه در فصل ورود پرندگان مهاجر به میانکاله افزایش می‌یابد.» خیلدار در باره مجوزهای شکار که به شکارچیان محلی داده شده است، یادآوری کرد که «عرضه در بازارهای رسمی به شرط داشتن مجوز شکار که آن هم شرایط خاص خودش را دارد، مشکلی نخواهد داشت اما با توجه به اهمیت و ارزش ژنتیکی گونه‌های مهاجر به منطقه حفاظت شده میانکاله در حفظ این منابع ارزشمند، با متخلفان با قاطعیت برخورد خواهیم کرد.»

مهرماه سال گذشته، هم‌زمان با آغاز ورود پرندگان مهاجر به فریدونکنار بود که محیط‌بانان برای پایین کشیدن تورهای هوایی و جمع‌آوری شب‌دام‌ها وارد منطقه و تالاب فریدونکنار شدند اما این ورود سرآغاز درگیری با شکارچیان غیرمجاز، بومیان و کشاورزان بابلسر شد. دوم مهرماه سال گذشته، مسلم آهنگری رئیس حفاظت استان مازندران، در باره اتفاقی که در بابلسر افتاده بود به باشگاه خبرنگاران گفت: «ساعت ۵ صبح امروز با حکم قضایی شهرستان بابلسر، یگان حفاظت محیط‌زیست استان مازندران با همکاری ۷۰ محیط‌بان از تمامی شهرستان‌های استان مازندران برای جمع‌آوری دامگاه‌های غیرمجاز تالاب فریدونکنار واقع در شهرستان بابلسر اقدام کردیم.اما ۱۵۰ نفر از شکارچیان غیرمجاز، بومیان و کشاورزان شهرستان بابلسر با محیط‌بانان و مسئولان یگان حفاظت استان برای جلوگیری از جمع‌آوری دامگاه‌های غیرمجاز درگیر شدند.» او ادامه داد:بود: «به دلیل اینکه احتمال آسیب دیدن شدید طرفین در این درگیری بسیار زیاد بود، مقامات ارشد سازمان تصمیم گرفتند اجرای این عملیات را متوقف کنند زیرا شکارچیان غیرمجاز و بومیان برای مقابله با محیط‌بانان از سلاح‌های شکاری هم استفاده می‌کردند.» پس از این درگیری و تجربه بد، برنامه برخورد با متخلفان و جمع‌آوری شب‌دام‌ها و تورهای هوایی متوقف شد و دیگر اقدام اجرایی برای این پدیده که سال‌هاست، فریدونکنار را برای پرندگان مهاجر به سیاه‌چاله تبدیل کرده، انجام نشد. این امر باعث شد بسیاری از دوستداران محیط‌زیست و حیات‌وحش، به این نتیجه برسند که مسئولان محلی و مقامات استان به دلیل دخیل بودن یا دی‌نفع بودن در این تخلف، علاقه‌ای به مقابله با آن ندارند. در همین خصوص چند روز پیش معصومه ابتکار رئیس سازمان حفاظت محیط‌زیست گفته بود: «متأسفانه بسیاری از مسئولان محلی و مقامات محلی به نوعی در این زمینه دخیل شده‌اند. بالاخره اقوام و آشنایان آنها در این کار دخیل هستند که این موضوع باعث شده، مسأله هیچ‌پدیگی‌هایی پیدا کند اما در این خصوص هم باقوه قضائیه و نیروی انتظامی کار را شروع کرده‌ام تا جلوی ادامه فعالیت آنها را بگیریم.»



فارسی را پاس بداریم

موجودی ناقص الخلقه در حوزه کتاب

فرید مرادی با بیان اینکه ویراستاری در بین ناشران ما موجودی ناقص الخلقه است، گفت: بسیاری از کسانی که در عرصه نشر کشور ما کار ویراستاری می‌کنند در حد نمونه‌خوان هم نیستند. این سروراستار در باره وضعیت ویراستاری در بین ناشران ایرانی گفت: ویراستاری هم مثل دیگر پدیده‌ها به صورت ناقص الخلقه وارد صنعت نشر ما شده است؛ به‌طوری‌که بسیاری از افرادی که الان به عنوان ویراستار در موسسه‌های انتشاراتی ما کار می‌کنند اصول ابتدایی کتاب‌پردازی را هم رعایت نمی‌کنند و در حد نمونه‌خوان هم نیستند.

او افزود: از سوی دیگر ما تعدادی ویراستار برجسته داریم که به خاطر اینکه ویراستاری از سوی ناشران جدی گرفته نمی‌شود و در میان آنان شأن و جایگاهی ندارد دیگر کار ویراستاری نمی‌کنند و به کار دیگری مشغول شده‌اند، چون معمولاً ویراستاران برجسته با ناشر و صاحب اثر بر سر مسائل حرفه‌ای چالش پیدا می‌کنند.

مرادی با بیان این که حوزه اختیار ویراستار باید گسترده‌باشد، گفت: چون در ایران شیوه رسم‌النخط

نان داغ کباب داغ / تازه‌های نشر

زاده‌شدن برای آزادی، بزرگ‌شدن برای مرگ

«ما یک خانه آبی داریم» با مقدمه مر حوم بی‌نیاز منتشر شد

نشر «شورآفرین» کتاب دوم از مجموعه «تجربه‌ها» را با عنوان «ما یک خانه آبی داریم» (تجربه زندگی و مرگ در داستان‌های کوتاه) با مقدمه زنده‌یاد فتح‌الله بی‌نیاز و ترجمه سیروس نورآبادی منتشر کرد. مجموعه «تجربه‌ها» شامل دو کتاب است که کتاب دوم این مجموعه «مایک خانه آبی داریم» هم‌زمان با چاپ سوم کتاب اول مجموعه، «اگر یک مرد را بکشم، دو مرد را کشته‌ام» (تجربه زندگی مشترک در داستان‌های کوتاه) منتشر شده است. مجموعه «تجربه‌ها» امکان زیست زندگی «همه‌ما» در جمهوری جهانی ادبیات است. تجربه زندگی و مرگ در بهترین داستان‌های کوتاه جهان؛ داستان‌هایی که هر کدام، پنجره‌ای است بر دیوارهای محفظه درسته‌ای از فضا و زمان، که «همه‌ما» در آن زندگی می‌کنیم. این داستان‌ها، به‌ما اجازه می‌دهند به ذهن‌های یکدیگر وارد شویم، نه‌تنها از طریق همدات‌پنداری با شخصیت‌ها، بلکه با مشاهده دنیا از منظر بزرگ‌ترین نویسندگان جهان. و این همان قدرت ادبیات است که بیشترین توان را برای همدلی دارد؛ داستان‌های خوب، از ما انسان‌های بهتری می‌سازد. داستان‌های خوب، از نیروی فرهنگی شگرفی برخوردار است، و به‌ما اجازه می‌دهد با کسانی همدلی کنیم که گوشه‌ای از زندگی «همه‌ما» را در دنیای کلمات بازی می‌کنند؛ و این‌گونه شما به کشف تاریکی‌ها و ناشناخته‌های خود و دیگری، و تجربه مرگ و زندگی من دیگرتان می‌روید: یک سفر مکاشفه‌آمیز، برای لذت آگاهی. «ما یک خانه آبی داریم» مجموعه ده داستان کوتاه مدرن با مضمون زندگی و مرگ است از ۱۰ نویسنده بزرگ جهان: آلیس مونرو، جان آیدایک، ترومن کاپوتی، شرلی جکسون، ردیارد کیپلینگ، فرانک اوکانر، پریمو لوی، کیت والبرت، تونل روآو و الیستر مورگان. نویسندگان این مجموعه، با محوریت قراردادن زندگی‌های فردی، خانوادگی و اجتماعی، و سپس جنگ و آسیب‌های آن و درنهایت مرگ، کاراکترهای خود را به سمت یک

گردش روزگار برعکس است



من رویایی دارم…

ترج: IZABELA KOWALSKA / لهستان

با کاروان حله / اخبار هنر

با این گریم کسی او را نمی‌شناسد

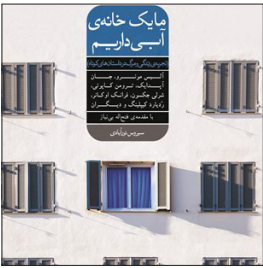


جولین زرفلت هنرمند آلمانی برای یک پروژه هنری کیت بلانشت را به شکل یک مرد بی‌خانمان درآورد. کیت بلانشت از آن دسته بازیگرانی است که در طول دوران کاری خود طیف متفاوتی از نقش‌ها را بازی کرده است. اما هنرمندی آلمانی یک گام فراتر برداشت و این بازیگر برنده اسکار را برای یک پروژه هنری به نام «مانیفست» تبدیل به یک مرد بی‌خانمان کرد. بازیگر ۴۶ ساله استرالیایی در این

پروژه با گریم‌های متفاوت ظاهر شده، اما این مرد بی‌خانمان با ریشی بلند و لباس‌هایی مندرس چیزی است که انتظار دیدن یک بازیگر زن در آن اندکی نامتعارف است. گریم او در نقش این مرد بی‌خانمان شبیه به یکی از شخصیت‌های سریال «EastEnders» به نام یان بیل است. او در پروژه «مانیفست» ۱۳ مونولوگ در باره نقش هنرمندان در جامعه امروز را، با کاراکترهای متفاوت از جمله یک مرد بی‌خانمان اجرا می‌کند. این پروژه هنری ماه آینده در مرکز تصاویر متحرک استرالیایی در ملبورن به نمایش گذاشته خواهد شد. کاترین الیز بلانشت معروف به کیت بلانشت (متولد: ۱۴ می ۱۹۶۹) بازیگر استرالیایی سینما و تئاتر است. وی در طول دوران بازیگری اش توانسته تحسین بسیاری از منتقدان را کسب کند و جوایز بسیاری شامل ۲ جایزه اسکار، ۳ جایزه انجمن بازیگران فیلم، ۳ جایزه گلدن گلوب و ۳ جایزه بقتا را از آن خود کند. وی اولین بار با بازی در فیلم الیزابت نقش آفرینی به عنوان الیزابت یکم توانست شهرت جهانی پیدا کند. از دیگر نقش‌های تاثیرگذار وی بازی در فیلم هوانورد است.

به دام زلف تو دل مبتلای خویشتن است
بکش به غمزه که اینش سزای خویشتن است
گرت زدست برآید مراد خاطر ما
به دست باش که خیری به جای خویشتن است…
(حضرت لسان‌الغیب حافظ شیرازی، قرن هشتم، غزلیات)

سوت‌بان



ما یک خانه آبی داریم
با مقدمه زنده‌یاد فتح‌الله بی‌نیاز
مترجم: سیروس نورآبادی
نشر شورآفرین
قیمت: ۹ هزار تومان
صفحه ۱۶۴

نوع خودآگاهی سوق می‌دهند تا خواننده را با داستان و کاراکترهای‌شان در گریز از دنیای کلمات به جهان واقعی همراه کنند؛ گویی کاراکترها روی دیگر «همه‌ما» هستند، تا با ما از زندگی روزمره‌ای بگویند که مرگ روی دیگر آن است؛ زیرا عظمت انسان در این است که با این‌که می‌داند می‌میرد، اما باز می‌زید، و به زندگی ادامه می‌دهد؛ گویی تصویر حزن انگیز دلپذیر این شعر است: زاده‌شدن برای آزادی، و بزرگ‌شدن برای مرگ. گفتنی است فتح‌الله بی‌نیاز که مقدمه این کتاب را نوشته است در تیرماه ۱۳۲۷ در مسجدسلیمان به دنیا آمد. سال ۱۳۵۱ در رشته مهندسی برق از دانشگاه صنعتی شریف (آریامهر سابق) فارغ‌التحصیل شد. فعالیت ادبی خود را از سال ۱۳۴۷ تا ۱۳۸۰ با نام‌های مستعار در نشریات مختلف آغاز کرد و چندین داستان کوتاه، مقاله، نقد ادبی، سینمایی و نمایشنامه از وی به چاپ رسید. از شهریور ۱۳۸۰ تا شهریور ۱۳۹۰ با نام اصلی اش بیش از ۴۱۱ نقد، مقاله، مرور کتاب و ۶۹ داستان کوتاه و ۴۶ مصاحبه جامع از وی در نشریات گوناگون به چاپ رسید. تعداد زیادی از آثار بی‌نیاز پشت سد سانسور و ممیزی ماند و اجازه چاپ نیافت. او در فروردین ۹۴ طی مصاحبه‌ای گفت ۱۵ کتاب از تألیفات او از وزارت ارشاد اسلامی مجوز دریافت نکرده و او «از خیر انتشار» این کتاب‌ها گذشته است. بی‌نیاز عضو شورای سردبیری کتاب نقد نگره، دبیر بخش داستان و نقد ادبی مجله ناقه بود. فتح‌الله بی‌نیاز ۱۲ مهرماه ۱۳۹۴ به علت ایست قلبی در تهران درگذشت.

سینمای ایران شاعرانه است



آرژنه فرو فیلمساز و مدیر مدرسه ملی دانمارک که در سی و دومین جشنواره بین‌المللی فیلم کوتاه تهران کارگاه آموزشی فیلم‌سازی با عنوان «زبان شخصی فیلم‌ساز» را برگزار کرده است درباره ساخت خود از سینمای ایران گفت: نکته جالب برای من واکنش مخاطب ایرانی به سینما است که آن را پدیده ارزشمندی می‌داند. ایران کشوری پیشرفته است و هنر و رسانه جایگاه خود را در در کشور شما پیدا کرده

است. او با بیان این مطلب که ساخت فیلم با کمترین هزینه از ویژگی‌های سینمای ایران است، یادآور شد: فیلم‌سازان ایرانی با خلاقیت و درایت بسیار توانسته‌اند سینمای کم‌هزینه و در عین حال با کیفیت را به دنیا عرضه کنند. این فیلمساز افزود با توجه به هزینه‌های سنگین ساخت فیلم در کشوری مثل آمریکا، درباره مدرسه فیلم دانمارک گفت: «این مدرسه نمی‌تواند با سینمای تجاری رقابت کند و باید به سمت تولیدات کم‌هزینه‌تر برویم ولی تعداد آثار را بالاتر ببریم که در این مسیر سینمای ایران با دستاوردهای خوبی که در حوزه ساخت فیلم‌های کم‌هزینه دارد، می‌تواند الگوی خوبی برای فیلم‌سازی ارزان و با کیفیت باشد. کارگردان فیلم «دروازه شماره سه» در پایان صحبت‌های خود با اشاره به اینکه سینمای ایران شاعرانه است، گفت: به اعتقاد من سینمای ایران به ویژه فیلم‌های کوتاه آن ساختار شعرگونه دارند و با دیدن فیلم‌های کوتاه ایرانی می‌توان صدای شاعر شرقی را به‌تماشا نشست. ایران کشوری فرهنگی است و نوع نگاه ما به سرزمین شما شاعرانه است و دیدن فیلم و گوش دادن موسیقی ایرانی برای ما لذت‌بخش است.

اثری که ویراستار نداشته باشد احتمالاً کیفیت لازم را ندارد و از سوی مخاطب پس زده خواهد شد. او افزود: ویراستار در واقع مشاور اصلی مدیر نشر برای گرفتن سفارش چاپ یک کتاب است. اوست که می‌تواند به مدیر نشر القا کند که یک اثر از نظر کیفی قابلیت چاپ و نشر دارد یا خیر. به همین خاطر ویراستار باید حتما علاوه بر زبان مادری، یک یا دو زبان خارجی بلد باشد که متأسفانه این موضوع در ایران وجود ندارد.

این ویراستار با اشاره به نقش مهم ویراستاران در نشر آثار گفت: ویراستار آثار فاکتر فصل‌های کتاب‌های او را جابه‌جایی کرد و این قدرت و اختیار را داشت. کار ویراستار تنها جابه‌جا کردن کلمات نیست. مرادی افزود: در عرصه نشر ما ویراستاران برجسته انگشت‌شمارند؛ کسانی که هم بازار کتاب را بشناسند و هم بتوانند با صاحب اثر تعامل کنند، اما موسسات نشر به این موضوع گردن نمی‌نهند و همین امر باعث شده این ویراستاران برجسته از چرخه نشر خارج شوند و آدم‌های نابلد جای آنها را بگیرند. (منبع: ایسنا)

ساماندهی نشده و یکپارچه نیست هر موسسه انتشاراتی برای خود شیوه‌ای دارد و همین تفاوت رسم الخط‌ها باعث ایجاد یک بلیشود در کتاب‌ها و شیوه استفاده از کلمات در آنها شده است؛ بنابراین تا زمانی که ویراستاری شأن و منزلت پیدا نکند و جایگاهش در بالا بردن کیفیت اثر تریف نشود همین بلیشو وجود دارد. او در ادامه اظهار کرد: در حال حاضر تنها تعداد محدودی موسسه انتشاراتی مثل مرکز نشر دانشگاهی، انتشارات علمی و فرهنگی، انتشارات فرهنگ معاصر و… به صورت جدی به مساله ویراستاری توجه می‌کنند. تنها در این موسسات انتشاراتی است که همه چیز سز جایش است و متن‌ها برپیشان و درهم ریخته نیستند.

مرادی در ادامه در باره اهمیت ویراستاری گفت: با توجه به اینکه در ایران شاهد رکود کتاب و پایین آمدن تیراژ کتاب و تکرر قمی شدن آن هستیم طبیعی است که موسسات انتشاراتی کوچک برای کاهش هزینه‌ها ویراستار را از چرخه تولید حذف کنند که کاری اشتباه است چون ویراستار کیفیت یک اثر را بالا می‌برد و این کیفیت باعث بیشتر دیده شدن و خواننده شدن اثر می‌شود؛ در حالی که